

گزارش نخستین کنفرانس کنگرهٔ موسس سازمان انقلابی افغانستان

سازمان انقلابی افغانستان بعد از تدویر کنگرهٔ موسس افتخار دارد که اولین کنفرانس اش را موفقانه برگزار می نماید. درین کنفرانس که علاوه بر اعضای کمیته مرکزی، جمعی از کادرهای اشتراک کنندهٔ کنگرهٔ موسس نیز شرکت داشتند، در فضای رفیقانه و دموکراتیک کار دو سالهٔ سازمان به ویژه کارکرد مسوول اجراییوی بر طبق اساسنامهٔ سازمان به ارزیابی گرفته شد. کنگرهٔ موسس سازمان انقلابی، این اصل را که در میان تدویر دو کنگره، با حضور عده ای از کادرهایی که شامل کنگره بوده اند، کار مسوول اجراییوی جهت جلوگیری از حاکمیت فاشیزم فردی بر سازمان ارزیابی و رأی گیری مجدد صورت گیرد، شامل اساسنامهٔ سازمان نمود. حال که دو سال از برگزاری کنگرهٔ موسس می گذرد و ما در میانهٔ دو کنگره قرار داریم، این کنفرانس برگزار و به آنچه که کنگره، کمیته مرکزی را مکلف نموده بود، عمل کرد.

این کنفرانس یکروزه به سه بخش (ارزیابی اوضاع و تغییرات دوساله بعد از تدویر کنگره، گزارش کار سازمان در بخش های مختلف و بالاخره سوالات و رأی گیری) اختصاص یافت. در آغاز یکی از رفقای کمیته مرکزی آجندا را مشخص نمود و از مسوول اجراییوی خواست تا رفقا را به طور مختصر در چگونگی اوضاع افغانستان، منطقه و جهان قرار دهد و تغییراتی را که بعد از تصویب کنگره به میان آمده، مشخص سازد. مسوول اجراییوی ضمن مهم دانستن این کنفرانس و اهمیت آن، وضعیت کنونی و تغییرات دو ساله را اینطور به بحث گرفت:

رفقا!

کشور عزیز ما افغانستان، بدترین روزهای عمرش را به سر می برد، زیرا در پنجهٔ خونین اشغالگران امریکایی و لاشخواران دیگر غربی تکه پاره می شود. امریکایی ها برای محکمتر نمودن تناب اسارت بر گلوی خلق ما اینک سی هزار نیروی دیگر نیز به افغانستان می آورند و همزمان با آن انتقال سه و نیم هزار قطعه سلاح از عراق به افغانستان را آغازکرده اند. امپریالیست ها به بهانهٔ «مبارزه» بر ضد القاعده و طالبان، این نوکران وحشی که با اعمال ضد بشری میخ اشغال را در منطقه و افغانستان محکمتر می سازند، برای استقرار دایمی در وطن ما تقلا کرده و در صدد احیای دلالان سرمایه، مدیران ایدیولوژیک و در آغوش کشیدن ملاکان شریر ارضی می باشند. اشغالگران همین اکنون به مدیرانی که شامل تکنوکرات های مزدور، ناسیونالیست های تسلیم طلب، جهادی های خونریز، دموکراتیکی های خلقی- پرچمی و چپ های پشت کرده به مارکسیزم، دست یافته و چرخ اشغال را بر شانه های آنان می گردانند و با اداهای دین و دموکراسی تصمیم به اشغال ابدی افغانستان دارند، بنابرین خروج نیروهای امریکایی جز ترفندی بیش نیست.

اشغالگران امریکایی، افغانستان را به عنوان سکویی جهت تسلط بر قارهٔ ثروتمند آسیا که بیشترین مواد خام (مخصوصاً نفت و گاز)، کلانترین بازارها و وسیعترین نیروی کار ارزان را در خود دارد، اشغال نموده، بگذریم ازینکه در سینهٔ کشور ما ثروتی به ارزش 500 هزار ملیارد دالر نهفته، و اشغالگران از درک مواد مخدر افغانستان، سالانه 400 ملیارد دالر به جیب می زنند و به این صورت تا زمانیکه خاک کشور ما را به توبره نکشند، آرام نخواهند نشست.

ایران، پاکستان، عربستان سعودی، هند و ترکیه از کشورهایی اند که در افغانستان برای تأمین منافع شان دهها جاسوس، تشکیلات و رسانه در اختیار دارند. به همین خاطر است که افغانستان به مرکز گرهی تضاد این کشورها مبدل شده است. تضاد

میان این کشورها باعث می گردد که ملیت های افغانستان به جان هم بیافتند و در انفجارها و رگبارهای مزدوران اینان تکه پاره شوند.

در افغانستانِ مستعمره و نیمه فیودالی که روز تا روز فقر زحمتکشان بیشتر و شکاف طبقاتی عمیقتر می گردد، صدها تن از زحمتکشان کشور جهت فروش نیروی کار به ایران، پاکستان و کشورهای دیگر جهان فرار نموده، بی هیچ مصونیت جانی و کاری، شاقه ترین کارها را انجام می دهند؛ 60 درصد مردم افغانستان زیر خط فقر زندگی می کنند، در حالیکه دلالان بورژوا و ملاکان ارضی با چپاول توده ها و فساد بی لگامی که باداران شان نیز اذعان می دارند، به ثروت های افسانوی رسیده، لذا رهایی مردم افغانستان از چنگال اشغالگران و دشمنان قسم خوردهٔ طبقاتی شان، بدون به فرجام رساندن نبرد خلق میسر نیست. پرولتاریای افغانستان در اتحاد با زحمتکشان دیگر (دهقانان و خرده بورژوازی) درین بُرهه رسالت عظیمی پیش رو دارند که نبرد توده ای طولانی را با اصل راه محاصرهٔ شهرها از طریق دهات رهبری و به پیروزی برسانند و این میسر نیست تا حزب انقلابی پرولتاریای افغانستان که به تیوری دورانساز مارکسیزم، لنینیزم، اندیشهٔ مائوتسه دون مسلح باشد، قد برنیافرازد، زیرا «پرولتاریا برای احراز قدرت سلاحی جز سازمان ندارند». به این خاطر ساختن حزب، از وظایف اساسی و مرکزی سازمان ماست.

بنابرین، اعتقاد به مارکسیزم، لنینیزم، اندیشه مائوتسه دون و در پرتو آن پرورش و سازماندهی بی وقفهٔ روشنفکران انقلابی در تیوری و پراتیک، تحلیل تیوریک از روند موجود و به کار بستن تیوری های عام مارکسیزم با شرایط خاص کشور، رعایت دقیق پنهانکاری، کار توده ای در میان کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی، ایجاد تشکلات و انتشارات دموکراتیک زحمتکشان، تلاش برای تشکیل حزب کارگران افغانستان، تدارک برای نبرد مسلحانه از طریق راه محاصرهٔ شهرها از طریق دهات و بیرون راندن اشغالگران و بالاخره ایجاد جامعهٔ دموکراتیک نوین زیر رهبری پرولتاریای افغانستان، از وظایف روزمره و کوتاه مدت سازمان ماست که فقط با فداکاری، پشتکار، اراده و عزم پرولتری اعضا و هواداران سازمان می توان به آن نایل آمد.

در ارزیابی ها و فیصله هایی که سازمان انقلابی در کنگره موسس به عنوان خط مشی ارائه نمود و مطمئناً تا برگزاری کنگرهٔ بعد پابرجا خواهند ماند، تغییرات کلی رونما نشده که به انعقاد کنگرهٔ دیگری قبل از به سر رسیدن چهار سال ضرورت افتد. اشغالگران همچنان به کوبیدن میخ اشغال در کشور ما مصروف اند، در تعداد نفرات و تسلیحات آنها افزایش قابل ملاحظه ای دیده می شود، کشور ما همچنان مستعمره و نیمه فیودالیست، دولت مزدور قلاده بند امپریالیست ها بوده و اشغالگران تلاش دارند تا بخش بیشتری از کمپرادوران و ملاکان ارضی را حول این دستگاه گرد آورند. جنگ های زرگری کرزی و باداران امریکایی اش کوچکترین تغییری درین اشغال به وجود نیاورده، دولت پوشالی بدون سایهٔ بادارانش یکروز هم به حیات ننگینش ادامه داده نمی تواند. نیروهای سرکوب اردو و پولیس افزایش یافته و توان رزمی اردو نسبت به دو سال قبل پیشرفت قابل ملاحظه ای داشته است، اکثریت صفوف اردو از برخوردهای ارباب منشانهٔ امریکایی ها به شدت ناراضی اند و نیمی از افراد پولیس معتاد به مواد مخدر می باشند؛ امریکایی ها و انگلیس ها بر بخش استخبارات دولت پوشالی سرمایه گذاری بیشتری کرده اند، اکثریت توده های مردم از اشغالگران و طالبان ناراضی اند، فقر بیش از پیش بیداد می کند و فرار نیروی کار به خارج همچنان ادامه دارد. خودکشی و خودسوزی میان زنان زحمتکشان افغانستان در جهان بی نظیر است. چپ

منحرف و مدالگیر همچنان به تسلیم طلبی و انقیاد ادامه داده، به لیسیدن پاهای اشغالگران امریکایی و ایتالوی مصروف است.
دلایل بالا نشان می دهد که تا هنوز تصاویب کنگرۀ موسس پابرجا بوده و ضرورت به تعدیل آن تصامیم دیده نمی شود.
بعد از صحبت مختصر مسوول اجراییوی سازمان، یکی از اعضای مرکزیت دستاوردها و کمبودهای دو سال گذشته سازمان را به ارزیابی گرفت و آنچه درین دو سال زیر نظر کمیته مرکزی گذشته، برشمرد:

1- کار تشکیلاتی:

سازمان ما طی دو سال گذشته، رشد کمی نسبتاً خوبی داشته و همزمان با آن از لحاظ کیفی نیز رشد نموده است، روابط تشکیلاتی گسترده تر شده و در چند ولایت، موفق به ایجاد کمیته های ولایتی شده ایم.

پنهانکاری که یکی از اصول اساسی تشکیلاتی ما است، درین دوسال به خوبی رعایت شده و اشتباه جدی درین زمینه رخ نداده - درین کنفرانس نیز بر آن تأکید صورت گرفت که باید از هرگونه برخورد لیبرالی درین زمینه پرهیز گردد- زیرا سازمان ما با دشمنان رنگارنگی رو به رو می باشد.

دیدارهای حوزوی و آموزش جزوه های سازمان درین دو سال تا حدی خوب بوده - چون این حوزه ها سلول های اصلی سازمان و سنگ بنای تشکیلاتی اند، درین کنفرانس روی آن تاکید بیشتری صورت گرفت- تا هنوز سطح دانش تیوریک برخی از رفقای ما خوب نیست، پس باید در بلند بردن سطح رفقا از طریق مطالعه نوشته های سازمان و آثار رهبران پرولتاریا تلاش گردد و تمام رفقا به نوشته برای نشرات دموکراتیک و سایت های همکار توجه جدی داشته باشند. بدون آگاهی انقلابی ممکن نیست با رهبران و کادرهای کم سواد پیشاهنگ شد و از انحرافات ایدیولوژیک و تشکیلاتی سازمان جلوگیری کرد. تجربه ای که رفقا در مورد بعضی از تشکلات و افراد چپ، بخصوص سازمان رهایی دارند، باید آن را سرمشق قرار داد و با نا آگاهی های تیوریک وداع کرد.

سازمان ما با اعتقاد و باور کمونیستی به برابری کامل زن و مرد و نفرت از استفادۀ ابزاری از زن، در دو سال گذشته در کار میان زنان ناموفق بوده و با درسگیری ازین ناموفقیت، قرار شد در دوسال آینده اقدامات جدی تری درین راستا صورت گیرد.
سازمان درین مدت روابطی با رفقای ایرانی و نیپالی برقرار نموده که نشرات یکی در اختیار دیگری قرار گرفته است. ضمن اینکه در مورد کار رفقای نیپالی سوالاتی نزد ما وجود دارد، اما این پرسش ها هرگز مانع ادامۀ چنین روابطی نشده و باید از تجارب یکدیگر آموخت.

2- کار نشراتی:

یکی از موفقیت های مهم سازمان ما در دو سال گذشته کار نشراتی است. سازمان توانست برنامۀ آموزشی (مقدماتی و پیشرفته) را تدوین و آن را در دسترس رفقا قرار دهد و به این صورت به کار نشراتی سازمان بیش از پیش توجه نماید. سازمان بعد از کنگرۀ موسس به نشر نوشته های متعددی پرداخت، از جمله: به پیش شماره اول (مشی سازمان و جمعبندی جنبش چپ)، به پیش شماره دوم (جامعۀ جهانی یا امپریالیست های خونخوار)، به پیش شماره سوم (تحلیل طبقات جامعۀ افغانستان)، «افغانستان به کجا می رود؟»، «خاین کیست، مبارز چه کسیست؟»، «اوباما، ماسکی بر چهرۀ خونریز امپریالیزم امریکا»، «مسئلۀ مالی، بحث مهم ایدیولوژیک»، «سالروز تأسیس رود خروشان سازمان را گرامی می داریم»، «ما چرا انشعاب کردیم؟»، «دیدار سازمان انقلابی افغانستان با حزب کمونیست مائویست نیپال»، «یادوارۀ رفیق اکرم»، «یادوارۀ رفیق مجید»، «یادوارۀ رفیق فیض

احمد»، «اعلامیهٔ یکاولنگ»، «اعلامیهٔ روز کارگر»، «اعلامیهٔ سیدال سخندان»؛ «با تحریم انتخابات، چپ منحرف را بی نقاب سازیم»، «اعلامیهٔ سالگرد مینا»، «اعلامیهٔ اول می» وغیره. این نوشته ها علاوه بر اینکه در دسترس رفقا و هواداران سازمان قرار گرفت و در بعضی از سایت های همکار که نقش خوبی در تبلیغ سیاست های سازمان داشته است، انتشار یافت؛ همچنان به صورت دست بدست و دهها ایمیل در افغانستان و جهان در اختیار افراد وابسته به جنبش انقلابی افغانستان نیز قرار گرفتند که مورد استقبال گرم این رفقا قرار گرفته، ضمن اظهار نظرهایی، کار رفقا را با اهمیت دانسته و از آن استقبال نمودند.

3- کار مالی:

با اینکه رهبری سازمان بر طبق وعدهٔ بلشویکی که در کنگرهٔ موسس به اعضا و هوادارانش داده بود، درین دو سال گردن فراز سازمان انقلابی افغانستان را به پای هیچ اشغالگری خم نکرد و با همت و کمک رهبران، کادرها، اعضا و هواداران خود، نه تنها مشکل مالی سازمان را حل نمود، که کمترین تعللی در پرداخت حق العضویت صورت نگرفت. این حق العضویت ها، ثمرهٔ کار و عرقریزی رفقا بوده و درین مدت نشان دادند که در شرایط دشوار حاضرند هست و بود خود را به پای سازمان بریزند.

درین نشست در مورد دارایی سازمان، مدارک و شیوهٔ کار مالی، به طور مفصل به شرکت کنندگان معلومات داده شد تا کوچکترین شک و ابهامی در مورد مسئلهٔ مالی نزد رفقا باقی نماند. تجربهٔ رفقا از عاید پولی بعضی از سازمان های مدعی چپ که برای اعضا و هواداران شان مشکوک است و بی باوری سراپای آن ها را فرا گرفته، نشان می دهد که درین زمینه باید کوچکترین ابهام و بی اعتمادی نزد رفقا باقی نماند و بدانند که دارایی هرچند کوچک سازمان که از عرق و آبلهٔ دست خود شان به دست آمده، با شرف کمونیستی پاسداری و فقط در راه اعتلای کار سازمان و جنبش کمونیستی کشور به مصرف می رسد.

4- کار دموکراتیک:

سازمان انقلابی به خاطر ترویج و اشاعهٔ سیاست های انقلابی و استفاده از کار علنی، 10 شماره نشریهٔ دموکراتیکش را بعد از کنگرهٔ موسس به چاپ رساند. بیش از 50 مقاله به زبان های دری و پشتو را جهت نشر در سایت های مختلف که عمدتاً با روح انقلابی ضد اشغال و استعمار نوشته شده بود نشر کرد؛ اشعار و سرودهای انقلابی را به این سایت ها ارسال و ازین طریق به مبارزهٔ ایدیولوژیک با منحرفان جنبش چپ ادامه داد. سیلی های سازمان ما تا جایی تشت رسوایی منحرفان مدالگیر را از بام انداخت که مجبور شدند به جای «مداخله»، «اشغال» را بپذیرند و از شرکت در انتخابات شوراهای ولایتی اظهار شرم کنند و در انتخابات پارلمانی زیر اشغال ظاهراً شرکت نکنند که مطمئناً این قدم های کوچک، در غلبه بر انحرافات آن ناکافی بوده تا زمانیکه دل از مغازله با اشغالگران در تمام زمینه ها نبرند و از گذشتهٔ ننگین خود با شهامت انتقاد ننمایند، مورد قبول انقلابیون چپ، بخصوص سازمان انقلابی افغانستان قرار نخواهند گرفت.

یکی ازکارهای دموکراتیک سازمان ما به راه انداختن تظاهرات ضد اشغال توسط محصلان پوهنتون های کابل بود. سازمان ما با برگزاری این تظاهرات در عمل نشان داد که فقط آنانی به درگاه یوناما و مراجع دیگر امپریالیستی می روند که به نیروی توده ها بی باورند و آن مراجع اجیر امپریالیستی را یگانه راه نجات و دادخواهی می دانند، در حالیکه این تظاهرات با طیف وسیعی از محصلان با خشم و نفرت بی پایان و شعارهای آتشین ضد اشغال و امپریالیزم در نزدیکی پوهنتون کابل صورت

گرفت و درهمانجا پایان یافت و برای چپ کشور، «عمل» انقلابی را نشان داد که در آن نه پولسازی، نه پروپوزل و نه ربودن دل دونرها جایی داشت.

برای اینکه حدود و ثغور کار دموکراتیک روشن و مشخص گردد و از گذشتهٔ این کار جمعبندی دقیقی صورت گیرد، قرار شد نوشتهٔ خاص تحلیلی ترتیب و در اختیار جنبش انقلابی افغانستان قرار گیرد و گام های عملی بیشتری در جهت ایجاد نهادهای واقعی دموکراتیک برداشته و از شرایط موجود به نفع جنبش پرولتاریایی استفاده شود.

بعد از ارائه گزارش بالا که روی هر بخش آن بحث صورت گرفت، گردانندهٔ کنفرانس از رفقای شرکت کننده خواست که پرسش های خود را مطرح سازند. این پرسش ها روی مسایل امنیتی سازمان و تهدیدهای نامرئی که از جوانب مختلف متوجهٔ رفقای سازمان است؛ چگونگی برخورد با منحرفان چپ و گرایش های ضد انقلابی دیگر در درون جنبش چپ؛ مبارزه، همگامی و وحدت جنبش چپ؛ برخورد با افراد ایدیولوژی باخته ای که به قضایا برخورد ملایی داشته و با نصایح پوچ برای ما تعیین تکلیف مینمایند تا انحرافات برخی از تشکلات مدعی چپ پوشیده مانده و از تیغ انتقاد سازمان انقلابی رهانده شوند و به این ترتیب انقلابیون پرولتری را به سازش های ضد انقلابی تشویق نمایند؛ چگونگی کار میان جوانان انقلابی و صفوف این جنبش جهت روشن شدن ذهن آنان از اعمال ضد انقلابی برخی از مدعیان چپ وغیره که با سهمگیری تمام رفقا در فضای دموکراتیک به اقناع شاملان کنفرانس پرداخته شد.

در آخر ارزیابی کار مسوول اجراییوی، بر اساس مواد اساسنامهٔ مصوب کنگرهٔ موسس با رأی مستقیم و سری، به اتفاق آرا صورت گرفت و ادامهٔ کار مسوول اجراییوی برای دو سال دیگر (برگزاری کنگرهٔ بعدی) مورد تأیید قرار داده شد و در پایان، یکی از رفقا کار کنفرانس را موفقانه ارزیابی نمود و جلسه پایان یافت.

مرگ بر امپریالیزم

در راه سوسیالیزم، به پیش

حمل 1389